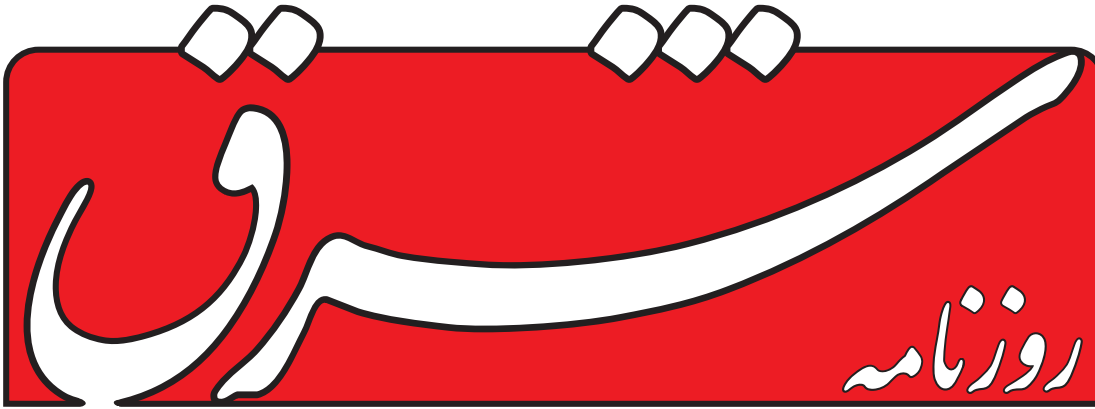


«شرق» در گفت وگو با صبغت‌الله احمدی سخنگوی جبهه مقاومت ملی افغانستان بررسی کرد

## مقاومت دره پنجشیر

منیزه موزن: دره پنجشیر در شمال افغانستان تنها نقطه باقی‌مانده از این کشور است که در مقابل طالبان مقاومت می‌کند. پنجشیر در مقاومت تاریخی طولانی دارد. احمد شاه مسعود، فرمانده اسطوره‌ای افغانستان سال‌ها در این دره می‌جنگید. صبغت‌الله احمدی سخنگوی جبهه مقاومت ملی افغانستان در مصاحبه با «شرق» از اهداف و روش مبارزه این گروه و آینده افغانستان می‌گوید.

صفحه ۲



دوشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۱ • ۴ ذی‌حجه ۱۴۴۳ • ۴ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۱۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: جنجال‌های دختر آیت‌الله، متهم‌گردانی یک اشتباه قانونی، ۴۶ هزار امضا برای تمدید قرارداد وریا با استقلال و یادداشت‌هایی از اردوان امیراصلانی، بابک زمانی، الهام فخاری

### سرمقاله

## پیدا کنید پرتقال فروش را



امیر ناظمی

اینکه چرا پرتقال‌فروش تصمیم می‌گیرد میوه‌های دورریز خود را به صورت مخفیانه در پاکت میوه من خریدار قرار ندهد یا اینکه عمده‌فروش چک خریدار را قبول می‌کند؛ موضوعاتی چندلایه و پیچیده هستند که بنیان‌های یک نظام اجتماعی را نشان می‌دهند. مثال پرتقال‌فروش همان مثالی است که داکلاس نورث (برنده نوبل اقتصاد) در کتاب «ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی» استفاده می‌کند تا توضیح دهد در پس یک معامله به‌ظاهر ساده تا چه اندازه نظام اجتماعی، حقوقی و بازار تأثیرگذارند. در حقیقت هر معامله‌ای با پذیرش حقوق مالکیت آغاز می‌شود، جایی که من خریدار پرتقال، مالکیت پرتقال‌فروش را به رسمت شناخته‌ام. در مرحله بعد اعتماد پیش می‌آید. اینکه من به کیفیت پرتقال‌ها اعتماد داشته باشم، بدون آنکه نیاز باشد تک تک پرتقال‌ها را جلوی روی میوه‌فروش ببرم! در حقیقت هر معامله‌ای بر پایه تعداد زیادی از قراردادهای اجتماعی رخ می‌دهد. قراردادهایی که منجر به شکل‌گیری حقوق و مسئولیت‌ها می‌شود. اگر ما روزبه‌روز اعتمادمان به میوه‌فروش کمتر شود، اگر روزبه‌روز احتمال تقلب زیاد شود یا اگر عمده‌فروش اعتمادش به چک‌های میوه‌فروش کم شود و از او چک قبول نکند یا اگر من به دلیل اعتمادداشتن، از خیر سفارش تلفنی یا اینترنتی پرتقال‌ها بگذرم یا اگر به دلیل نداشتن اعتماد مجبور شوم به مغازه‌های دورتر بروم و مدتی در ترافیک بمانم تا میوه را از جای معتمد بخرم؛ همگی این مثال‌ها نشانه‌هایی از ناکارآمدی سازوکار بازار است. در حقیقت بازار بیش از آنکه مفهومی اقتصادی باشد، مفهومی اجتماعی است. هر مبادله‌ای در بازار، براساس قراردادهایی اجتماعی روی می‌دهد که به‌شدت متأثر از نگاه‌های کلان در حکمرانی است. به این ترتیب اقتصاد ایران در وضعیت فعلی نه تنها تأثیرپذیر از سازوکارها و نهادهای اقتصادی است، بلکه به همان اندازه نیز تابع قراردادهای اجتماعی و مسئله مشخص اعتمادپذیری است. اینکه هر بازیگر اقتصادی تا چه حد می‌تواند به سایر بازیگران (اعم از مشتریان یا همکاران یا دولت) اعتماد کند.

### سرمایه اجتماعی بزرگ‌ترین چالش

کاهش سرمایه اجتماعی بزرگ‌ترین چالش فعلی ایران است. ریشه بسیاری از خشونت‌ها، شکاف میان دولت با مردم و کاهش رواداری در کاهش سرمایه اجتماعی است؛ اما تأثیرات آن در اقتصاد سبوی دیگر این تیغه است. با کاهش سرمایه اجتماعی، اعتماد مردم به همدیگر و دولت کاهش می‌یابد. در حقیقت اگر برای پرتقال‌فروش تفاوتی میان کم‌فروشی و تقلب (فروختن پرتقال‌های دورریز) با صداقت وجود نداشته باشد؛ به‌مروار پرتقال‌فروش‌ها به سمت تقلب رفته و مردم نیز اعتماد خود را به خریدوفروش با غریبه از دست می‌دهند. در حقیقت با کاهش اعتماد، هزینه نهایی مصرف‌کننده افزایش می‌یابد؛ چون او باید هزینه بیشتری پرداخت کند تا به میوه‌فروش آشنا برسد یا ممکن است از خیر خریدهای تلفنی و اینترنتی بگذرد. در این صورت دو هزینه به ما افزوده شده است:

- ۱- هزینه مبادله؛ هزینه دسترسی به عرضه‌کننده معتمد (میوه‌فروش معتمد)
- ۲- هزینه فرصت؛ شکل‌نگرفتن بسیاری از معاملاتی که می‌توانست انجام شود و به نتایج اقتصادی بهتر برسد (مانند خریدن میوه و کاهش مطلوبیت مصرف‌کننده)

### سرمایه اجتماعی و تحریم‌ها

مسئله تحریم‌ها نیز از این منظر قابل تفسیر است؛ چه در بعد خارجی که هزینه معامله به دلیل تحریم افزایش می‌یابد و ما گران‌تر از دیگران می‌خریم، چه در بعد داخلی که تلاطم سیاسی منجر به ناکارآمدی بازار می‌شود. بدیهی است که هیچ دولتی تمایلی به گره‌زدن مسائل مختلف با همدیگر ندارد. در حقیقت توانمندی یک سیاست‌گذار آن است که مسائل پیچیده را به چند مسئله ساده تبدیل کند. او باید یک مسئله چندمعدله-چندمجهولی را به چند معادله تک‌معدله-تک‌مجهولی تبدیل کند؛ اما در حقیقت تحریم‌ها به صورت طبیعی با معیشت گره خورده است؛ چون تحریم‌ها بیش از هر چیزی سرمایه اجتماعی را هدف قرار داده است:

- تشکیک در اعتماد عمومی نسبت به اراده حل مسئله پس از ۲۰ سال
- تشکیک ناشی از ناپایداری بودن شرایط و کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری بلندمدت
- تشکیک در اخبار و اطلاع‌رسانی دولت و حاکمیت

ادامه در صفحه ۵

گپ‌وگفتی با بهروز شعبی به بهانه اکران فیلم «بدون قرار قبلی»

## سینما بدون تنوع می‌میرد

بهناز شیربانی: قصه دختری که پس از سال‌ها به دلیل مرگ پدرش به ایران برگشته، اقامت کوتاه او در زادگاه پدر و دیدار با افرادی که پدرش را می‌شناسند، زمینه‌ساز تحولاتی در زندگی‌اش می‌شود. داستانی آشنا که بهروز شعبی در تازه‌ترین ساخته سینمایی‌اش «بدون قرار قبلی» به سراغش رفته و به‌زعم خودش...

صفحه ۱۱



## مجلس ایران به دنبال کارلوس کی‌روش؟

اعتراض اعضای شورای شهر به گزارش‌های تکراری شهردار

## انتقاد به لیست آرزوهای شهردار

دیپلماسی منطقه‌ای منهای برجام تا کجا توان تحقق دارد؟

## ابهام در دوگانگی سیاست خارجی

چگونه یک هنگ کنگ آزاد پس از ۲۵ سال به دولتی پلیسی تبدیل شد؟

## آناتومی پاکسازی

### یادداشت‌روزنامه‌نگاران

## روزنامه و روزنامه‌نگار غریب‌اند



سیابک رحمانی

یکی از همکاران در توئیتر نکته‌ای نوشته بود در تمجید از روزنامه‌ها. این روزنامه‌نگار شناخته‌شده اشاره کرده بود که انتشار گزارش «شرق» درباره شلیک به یک خانواده در پارک پردیسان، گزارش روزنامه دنیای اقتصاد درباره کلید خوردن چراغ خاموش طرح صیانت و گزارش روزنامه اعتماد درباره تقلب بزرگ و سیستماتیک در کنکور سراسری، از مؤثربودن روزنامه‌ها حکایت می‌کند. چندی پیش محمد درویش، کشگر و پژوهشگر محیط‌زیست هم در مراسم رونمایی از سند ملی رسانه گفته بود رسانه‌ها دارند از دهه‌های قبل پرقدردتر عمل می‌کنند اما متأسفانه مورد استقبال جامعه نیستند. آقای درویش هم از طرح انتقال آب خزر به سمنان مثال زده بود که با فشار رسانه‌ها و خبرنگاران عملی نشده. به نظر این همه خوش‌بینی و اتکا به عملکرد رسانه‌های حرفه‌ای و روزنامه‌ها، مبتنی بر شواهد نیست و بیشتر به دلیل دل‌بستگی ما به شغل و اکوسیستمی است که در آن نفس می‌کشیم. روزنامه‌نگاران شریف و درجه‌یکی که همچنان دارند در روزنامه‌های معتبر و رسانه‌های شناخته‌شده کار می‌کنند، گزارش و مصاحبه تهیه می‌کنند و دلسوزانه و با کمترین درآمد، بی‌رق روزنامه‌نگاری را بر دوش می‌کشند کم نیستند. ادامه در صفحه ۲

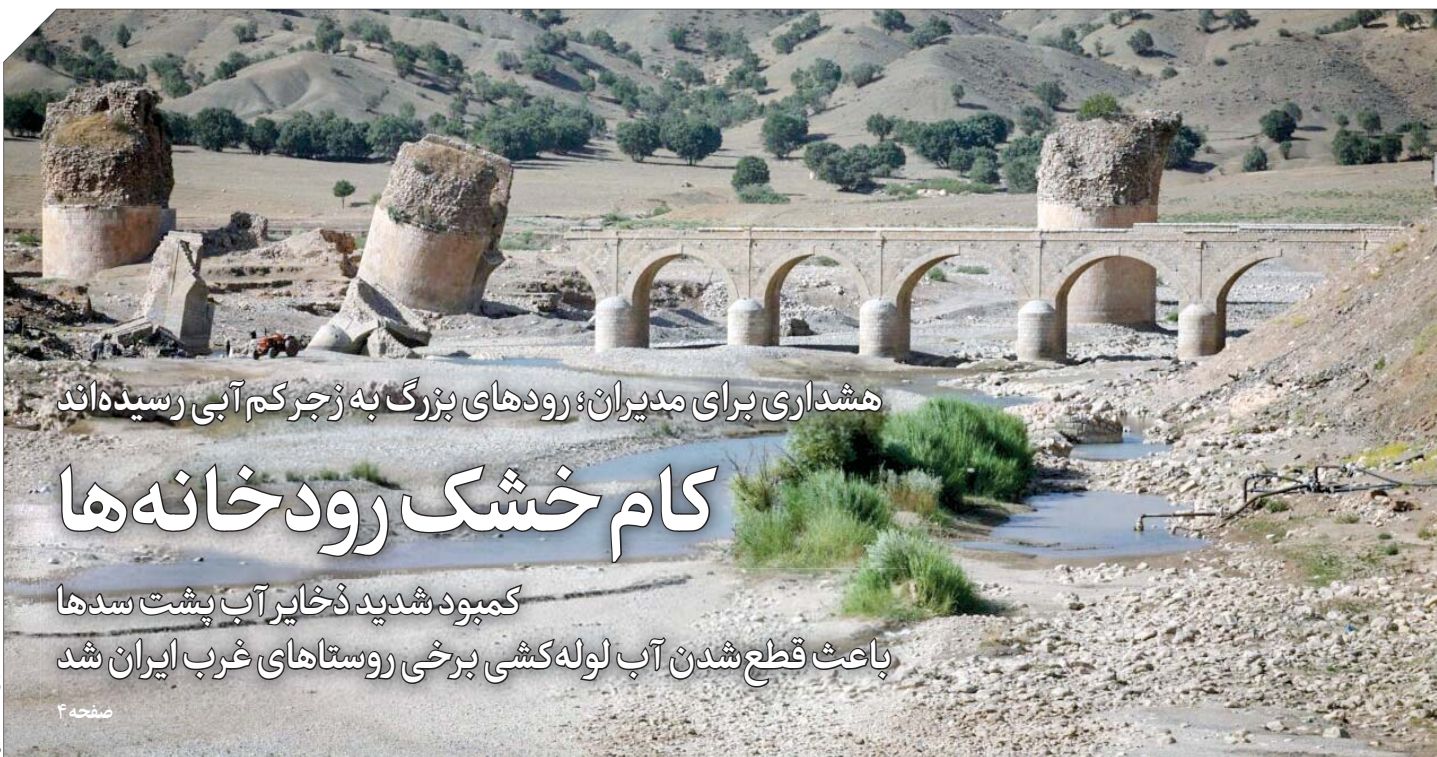
### انا لله و انا الیه راجعون

## جناب آقای مجید صیادی

درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت می‌گوئیم. برای آن مرحومه غفران و آمرزش الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از خدای رحمان مسئلت داریم.

مهرداد احمدی شیخانی، ایرج اسلامی محمدعلی اکبری، رضا تهرانی، سعید حجاریان هادی خانیکی، عبدالعلی رضایی، عباس عبیدی علیرضا علوی تبار، محمدجواد غلامرضا کاشی بهروز گرانیپناه، محسن گودرزی، کامبیز نوروزی

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید



هشدار برای مدیران؛ رودهای بزرگ به زجر کم آبی رسیده‌اند

## کام خشک رودخانه‌ها

کمبود شدید ذخایر آب پشت سدها باعث قطع شدن آب لوله‌کشی برخی روستاهای غرب ایران شد

صفحه ۴

کمپنن محمد بازرگانی، ایران

### یادداشت

## حق حمام آفتاب



مهرداد احمدی شیخانی

می‌کنند و قیمت آرد را به نرخ آزاد محاسبه می‌کنند و قرار است دارو و دیگر نیازها به قیمت آزاد محاسبه شود. اگر بخواهید به خارج از کشور بروید، ارز با نرخ زیر بازار خواهید گرفت. این همان موضوعی است که انکار همه درموردش به توافق رسیده‌اند و کسی با آن مشکلی ندارد. مسافرت هم که اشکال مختلف دارد. یکی می‌رود برای سیاحت، یکی می‌رود برای زیارت، یکی برای درمان، یکی دانشجویی خارج از کشور است. همه اینها کمک‌هزینه می‌گیرند، آن هم از کجا؟ از خزانه بانک مرکزی، یعنی از بیت‌المال، یعنی از جیب آن کودکی که در سیستان و بلوچستان برای خوردن آب به لب هوتک می‌رود و گاندو پایش را به دندان می‌گیرد و آن کودک بخت برگشته را به درون آب می‌کشد و می‌کشد؛ یعنی پول آن کودکی که در سرمای زمستان با دمپایی پاره و پای بی‌جوراب، کیلومترها راه را در برف طی می‌کند تا به دبستان کانکسی برسد و درس بخواند؛ یعنی پول اینها را به‌عنوان کمک‌هزینه می‌دهند که یک عده برون‌آفتاب حمام آفتاب بگیرند یا برون‌ارمنستان دانسینگ یا آن کسی که به شرطی حج بر او واجب می‌شود که استطاعت مالی داشته باشد (یعنی خودش پول سفر حج را داشته باشد و این پول، تمام و کمال مال خودش باشد). به او که اگر پولش را ندارد، حج بر او واجب نیست، پول بیت‌المال، یعنی پول آن فقیرترین مردم را می‌دهند تا او به حج برود. یا به یکی که درمان کشور را قبول ندارد، پول می‌دهند تا بروند خارج درمان شود. یا به یک نفر پول می‌دهند تا بروند خارج از کشور تحصیل کند و به احتمال بسیار زیاد هم، دیگر به کشور برگردد.

من واقعا این را نمی‌فهمم. عقل حکم می‌کند به کسی کمک کنیم که نیازمند کمک است. بعد کمک هم که می‌کنیم، باید از جیب خودمان کمک کنیم، نه از جیب دیگران. یعنی چه که به یک نفر کمک کنیم که بروند حمام آفتاب بگیرد یا بروند

دانسینگ خودش را تکان بدهد؟ یا به آن کسی که تا استطاعت ندارد، حج بر او واجب نیست، پول یک عده فقیر و محتاج را بدهیم که او بروند حج. یا یک نفر که سیستم درمانی کشور را قبول ندارد، آن هم ایران که توریست‌درمانی، حتی از اروپا دارد، بعد به چنین آدمی پول بدهیم که برای مداوا بروند خارج؟ یا در کشور خودمان ظرفیت دانشگاه‌ها مازاد بر متقاضی باشد، بعد پول بدهیم که یک نفر بروند خارج تحصیل کند که بعدش هم برنگردد؟ پول مملکت زیادی کرده؟ جنگ شوخی بوده که در آن دوران ارز مسافرتی می‌دادیم یا الان تحریم شوخی است؟ اگر شوخی است پس افزایش نرخ آرد و روغن و دارو برای چیست؟ تازه فرق هم نمی‌کند دولت دست کیست، کابینه جنگی میرحسین باشد یا کابینه معجزه هزاره سوم، کابینه خاتمی یا روحانی یا هاشمی یا رئیسی، فرقی نمی‌کند، همه انکار توافق کرده‌اند که دست کنند در جیب آن فقیرترین مردم که صیادی ندارند تا اعتراضی به این ماجرا بکنند، پول را درمی‌آوردند که آی ملت بیایید بروید خارج خوش باشید، ما کمک هزینه خوشی شما را از بیت‌المال می‌دهیم. خب اگر قرار است خوش بگذرانند و حمام آفتاب بگیرند و این را حق آنها می‌دانیم و برای همین پول به آنها می‌دهیم، مگر کشور خودمان آفتاب ندارد؟ چرا پول می‌دهیم برون‌د

جای دیگر حمام آفتاب بگیرند؟ اگر دانسینگ رفتن این جماعت را حق آنها می‌دانیم، خب چرا از جیب مردم بدهیم؟ از جیب خودمان بدهیم؟ نان گران بشود؛ ولی پول دانسینگ و حمام آفتاب و استطاعت سر جایش بماند؟ من که هر طور فکر می‌کنم، نمی‌توانم بفهمم چرا این‌طور است. شاید بهتر باشد به جای ارز مسافرتی، اسمش را بگذاریم حق حمام آفتاب.

### سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶ ۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

### ارتباط با روزنامه شرق

T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR

به زودی زنگ شرق به صدا درمی‌آید